بسم الله الرحمن الرحیم

چکیده مقالات همایش

اصل ۱۵ قانون اساسی

راهبرها و برداشت‌ها

دبیر علمی

دکتر محمدرضا پاسبان

عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

بهمن ۱۳۹۷

چکیده مقالات همایش اصل ۱۵ قانون اساسی راهبردها و برداشت‌ها
به اهتمام: دکتر محمد رضا پاسبان ـ رحیم نیکبخت

نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۹۷
طراحی جلد: امیر نیکبخت
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
www.diyarekohan.net

فهرست مطالب

اعضای کمیته علمی ۷
گزارش همایش ۹
اصل ۱۵ قانون اساسی: هم پوشی مرزهای زبان ملی و مادری/ دکتر حمید احمدی ۱۱
تحلیل و بررسی رویکرد قوم‌گرایانه به اصل ۱۵ قانون اساسی/ سیمرا اکبری ۱۳
اصل پانزدهم قانون اساسی و مساله تکوین و گسست در حقوق اساسی/ میلاد امیدوار..... ۱۴
مبانی فلسفی و حقوقی آموزش زبان مادری/ محمد علی بهمنی قاجار ۱۵
اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی: برخورد یا همسازی استثناء با اصل؟/ دکتر محمد رضا پاسبان..... ۱۷
آزادی مطبوعات برای گروه‌های زبانی و قومی و محلی با توجه به اصل ۱۵ قانون اساسی/ امیر جمیلو ۱۹
بررسی رویکرد جریان واگرا در خصوص اصل ۱۵ قانون اساسی/ میر محمد حسینی سفیدان جدید ۲۱
اصل ۱۵ قانون اساسی، انتخابات و مسأله هویت/ شقایق حیدری ۲۳
سابقه تاریخی رسمیت زبان فارسی/ داود دشتبانی..... ۲۵
تحلیل حقوقی اصل ۱۵ قانون اساسی/ سید محمد رضایی ۲۶
زبان‌های مادری، اولویّت‌های ضروری و اولویّت‌های دیگران! ضرورت‌های ملی ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی در ایران/ مهدی سلطانی ۲۹
آسیب‌های تفسیرها و برداشت‌های رایج از اصل ۱۵ قانون اساسی/ سالار سیف الدینی..... ۳۲
تحلیل حقوقی اصل ۱۵ قانونی اساسی با رویکرد آثار اجرایی آن در جامعه/ محبوبه عابدی..... ۳۴
بازی دومینو و اصل پانزد قانون اساسی/ دکتر عطالله عبدی ۳۶
معنای جوهری اصل ۱۵ و تاثیر آن در سیاستگذاری قانون‌گذاری ـ اجرایی در دوره جمهوری اسلامی ایران/ امیر فاضلی..... ۳۸
سیاست زبانی در قوانین اساسی جهان و فلسفه اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران/ دکتر حبیب الله فاضلی..... ۳۹

اصل ۱۵ قانون اساسی حق فرهنگی یا مطالبه سیاسی/ فائز دین‌پرست..... ۴۱
ملاحظات حقوقی اصل ۱۵ قانون اساسی/ حمداله قهرمانی فرد..... ۴۳
آسیب‌شناسی سیاسی تحریف اصل ۱۵ قانون اساسی توسط نخبگان سیاسی/ رضا کدخدازاده.... ۴۵
اقوام ایرانی و زبان فرهنگی فارسی/ محمد جعفر محمد زاده..... ۴۷
اصل ۱۵ قانون اساسی و طرح چند پرسش/ دکتر داود میرمحمدی..... ۴۹
نسبت و تعامل زبان فارسی و زبان‌های محلی/ رحیم نیکبخت ۵۲
ضرورت تبین هویت ملی و آموزش اصول قانون اساسی به نخبگان سیاسی/ رحیم نیکبخت..... ۵۴
دلایل مفهومی اصل ۱۵ قانون اساسی/ دکتر مهدی هداوند ۵۶
نقشه راه آموزش زبان‌های مادری در ایران/ احسان هوشمند ۵۷
جایگاه زبان فارسی در تاریخ ـ فرهنگ ایران/ حمیدرضا یخکشی..... ۵۹

اعضای کمیته علمی

دبیر کمیته علمی:

دکتر محمد رضا پاسبان، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

- دکتر مهدی هداوند، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
- دکتر عطاء الله عبدی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
- دکتر حبیب الله فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اعضای کمیته اجرایی

دبیر اجرایی:

رحیم نیکخت، مدیر عامل مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن

- داود دشتبانی، دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی
- رضا کد خدازاده، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
- سالار سیف الدینی، کارشناس حقوق،کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی
- میرمحمد حسینی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

گزارش همایش

طی دهه گذشته در بین گروه‌های سیاسی داخلی و همچنین گروه‌های واگرای قومی توجه به اصل ۱۵ قانون اساسی دیده می‌شود. هر یک براساس منافع جناحی و سیاسی و تجزیه طلبانه خود به تفسیر جعلی و تحریف آمیز از این اصل پرداخته‌اند. جناح‌ها سیاسی و نخبگان داخلی برخی از سر نا آگاهی و نا آشنایی با منافع و هویت ملی و عده‌ای هم عامدانه و مغرضانه به بیان تفاسیری کاملاً مغایر با روح و محتوای این اصل تلاش کرده‌اند با عوامفربی به جای ارائه برنامه و عملکرد مثبت خود دست به تحریف قانون اساسی زده و هزینه ناکارآمدی خود و جریان سیاسی وابسته را از حیثیت نظام و قانون اساسی بپردازند و در موسم انتخابات نوید تدریس زبان مادری را در مدارس سر داده‌اند. از سوی دیگر گروه‌هایی معاند که هیچ اعتقادی به تمامیت ارضی و قانون اساسی ایران ندارند، مزورانه در پناه اصل ۱۵ قانون اساسی به تخریب هویت، اتحاد و همبستگی ملی مشغول هستند.

با توجه به استفاده ابزاری و بیان تفاسیر مغایر از اصل ۱۵ قانون اساسی، به منظور تبین واقعیت این اصل و بررسی صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در خصوص عدم اجرای این اصل، با هدف آگاهی سازی از واقعیت‌ها، مقدمات برگزاری «اصل ۱۵ قانون اساسی؛ راهبردها و برداشت‌ها» با تشریک مساعی دانشگاه علامه طباطبایی، کانون وکلای دادگستری مرکز و موسسه تاریخ وفرهنگ دیار کهن فراهم شد.

جناب آقای دکتر محمد رضا پاسبان وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی نظارت و مدیریت علمی همایش را برعهده گرفتند. در جلسات کمیته علمی محورهای فراخوان همایش استخراج و به اطلاع محققان و اساتید محترم رسید. علی‌رغم زمان اندک و تخصصی بودن موضوع، همایش با استقبال شایسته محققانِ صاحب نظر مواجه شد و تعداد ۴۰ عنوان چکیده مقاله به دبیرخانه علمی همایش ارسال گردید. با بررسی اعضای محترم کمیته علمی ۲۴ چکیده مقاله برای درج در این مجموعه انتخاب شد. از این جمع

نویسنده ۹ چکید مقاله از اعضای هئیت علمی دانشگاه‌های مختلف، ۵ نفر دانشجوی مقطع دکترا، ۶ نفر دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد،۴ نفر پژوهشگر برجسته مسایل فرهنگی و سیاسی هستند.

تعدادی از چکیده مقالات هم نیازمند اصلاحاتی بود که برای اعمال به محققان محترم عودت داده شد، تا انشالله در کتاب مجموعه مقالات نهایی که بعد از برگزاری همایش منتشر خواهد شد، مندرج شود. به امید خدا اصل مقالات دریافتی هم بعد از داوری علمی در مجموعه‌ای منتشر و در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

دبیرخانه همایش از همراهی و حسن توجه معاون محترم پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی جناب آقای دکتر علومی همچنین از جناب آقای دکتر زاهد پاشا، نائب رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز و همه همکاران محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی که در برگزاری این همایش نقش و سهمی داشتند، تقدیر و تشکر نماید. محققان محترمی که با نگارش مقالات علمی خود موجب اصلی برگزاری شایسته این همایش شدند، مساعی اعضای محترم کمیته علمی و اجرایی همایش، و همکاران محترم مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن قابل تقدیر است.

دبیرخانه علمی همایش

اصل ۱۵ قانون اساسی؛ راهبردها و برداشت‌ها

اصل ۱۵ قانون اساسی: هم پوشی مرزهای زبان ملی و مادری

دکتر حمید احمدی
استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

مساله زبان ملی برای واحدهای سیاسی مستقل پس از قرارداد وستفالیا در ۱۶۴۸ یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت های مدرن در اروپا و سپس امریکای شمالی بوده است. گرچه دولت‌های اروپایی در طی قرون پس از وستفالی با سیاست‌های خاص خود و بویژه مطرح کردن یک زبان یا یک لهجه خاص از یک زبان به‌عنوان زبان ملی و رسمی کشور و به حاشیه بردن و از میان برداشتن زبان‌ها و لهجه‌های محلی خود موفق به این کار شدند، اما دولت‌های بزرگ یا امپراطوری‌هایی که پس از جنگ جهانی اول دچار فروپاشی شدند و به شکل دولت‌های گوناگون جدید سربرآوردند با چالش‌های زیادی در این راه روبرو شدند و مساله داشتن یک زبان ملی رسمی با توجه به گوناگونی‌های زبانی برخی از واحدهای جدید برای آنها دشوار می‌نمود.

ایران از جمله کشورهایی است که از دوران‌های قدیم یعنی از فاصله دوره گذار از عهد ساسانی به عهد اسلامی دارای یک زبان سراسری واحد یعنی زبان فارسی دری بود که تمامی تیره‌ها و تبارهای مردمان ایران آن را زبان نوشتاری در تاریخ نگای و ادبیات و بویژه شعر بکار می‌گرفتند. با این همه در دوره مدرن یعنی دهه‌های آغازین قرن بیستم تحت تاثیر گفتمان‌های لیبرالی و بویژه لنینیستی-استالینی خودگردانی خلق‌ها، مساله زبان‌های محلی به محملی جهت پیشبرد گفتمان‌های قوم گرایانه در کشور تبدیل شد. با اینکه این گفتمان در دوران پهلوی در حاشیه قرار داشت و تنها

گروه‌های سیاسی قوم گرا به آن اشاراتی داشتند، در سال‌های پس از انقلاب با درج اصل ۱۵ از کانال جریانهای قوم گرا به قانون اساسی جمهوری اسلامی، مساله زبانهای محلی یا قومی و در دهه اخیر مهوم زبان مادری به تکیه گاه جریان‌های قوم گرا و برخی جریان‌های سیاسی ابزاری جهت بسیج سیاسی تبدیل شد. این مقاله درصدد است ریشه‌های این تلاش را با توجه به محتوای اصل ۱۵ و نیز مفاهیم دیگری چون زبان ملی و زبان مادری مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. برخلاف بستر اجتماعی جوامع نوین مهاجر پذیر غرب و یا کشورهای چند زبانی تازه تاسیس سایر مناطق جهان، تعریف مفهوم زبان مادری در بستر اجتماعی و تاریخی ایران بسیار دشوار می‌نماید. به عبارت دیگر مرزهای میان زبان ملی و زبان مادری بسیار سیال بوده و باعث هم پوشانی های بسیار آشکاری میان آن دو شده است.

واژگان کلیدی: زبان ملی، زبان محلی، زبان مادری، اصل ۱۵ قانون اساسی

تحلیل و بررسی رویکرد قوم‌گرایانه به اصل ۱۵ قانون اساسی

سیمرا اکبری
دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مدرس دانشگاه
samiraakbari1394@gmail.com

چکیده

تنوع یک پدیده جهانشمول است و بسیاری از کشورهای جهان با این مسئله روبه‌رو هستند. کشور ایران نیز به لحاظ ساختار اجتماعی از گروه‌های مختلف قومی، زبانی، نژادی و مذهبی مختلفی تشکیل شده است. از این‌رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل پانزدهم بیان می‌دارد که زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی، قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است. پژوهش حاضر در پی بررسی این پرسش اساسی است که برداشت قوم‌گرایانه از اصل پانزده قانون اساسی چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به سؤال فوق این است که تنوع و تکثر نیروهای قومی می‌تواند موجب رشد و توسعه همگرایی و همسازی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شود و در جهت تقویت زبان ملی باشد. روش به کار رفته در این پژوهش از نوع توصیفی_تحلیلی است

واژگان کلیدی: قومیت، تکثرگرایی قومی، اصل پانزدهم قانون اساسی، هویت قومی

اصل پانزدهم قانون اساسی و مساله تکوین و گسست در حقوق اساسی

میلاد امیدوار
پژوهشگر مطالعات حوزوی و تاریخ فقه
miladomidvar@ymail.com

چکیده

حقوق اساسی از آن جا که امری بنیادی است که می‌کوشد با روشن نمودن شکل حکومت، روابط حکومت با شهروندان و حقوق و تکالیف هریک نسبت به هم را روشن سازد که از مباحث بسیار مهم فلسفه حقوق است. همچنین تطور و تکمیل حقوق اساسی در ایران دارای گسست هایی به نظر می‌رسد که چرایی این گسست‌ها می‌تواند راهنمایی برای علت یابی و چرایی ایجاد آن باشد. کرونولوژی و گاه‌شماری تاریخی پدیداری حقوق اساسی نخستین در ایران و نیز تکوین مجدد و تأسیس حقوق اساسی کنونی در ایران و بررسی گروه‌های موثر در این تأسیس و با توجّه به متن گروه مذاکرات گروه موسس در مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می تواند راهگشای پژوهشگران برای نیل به چرایی درج این اصل در حقوق اساسی ایران باشد. این پژوهش با روش شهودی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای می‌کوشد، ضمن تدوین کرونولوژی در قاعده همزمانی این اصل با توجّه به تطور حقوق اساسی این چرایی را روشن سازد.

واژگان کلیدی: گسست، حقوق اساسی، اصل پانزدهم قانون اساسی، کرونولوژی

مبانی فلسفی و حقوقی آموزش زبان مادری

محمد علی بهمنی قاجار
وکیل پایه یک دادگستری و دکترای حقوق بین الملل
bahmaniqajar@yahoo.com

چکیده

آموزش زبان مادری به عنوان یکی از حقوق مرتبط به اشخاص به متعلق به گروه‌های قومی و زبانی و نیز یکی از مسایل حساس در پیوند با گروه‌های زبانی در دنیای معاصر مورد توجه بوده‌است. آموزش زبان مادری در راستای پاسداشت حقوق و آزادی‌های شخصی و بشری افراد، متعلق به گروه‌های زبانی و نیز حفظ هویت فرهنگی اقوام در برابر سیاست‌های یکسان ساختن و همانند سازی و محو قومیت‌ها از پس از جنگ جهانی دوم به تدریج مورد توجه قرار گرفت و در اسناد بین المللی هم چون : میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حقوق افراد بازتاب یافت. در ایران نیز آموزش زبان مادری از دوران پس از اشغال ایران به وسیله شوروی در جنگ جهانی دوم به تدریج وارد ادبیات سیاسی ایران گردید و سپس به وسیله گروه‌های چپ و دارای اندیشه‌های مارکسیستی تعقیب گردید و بعد از انقلاب اسلامی نیز در اصل پانزدهم قانون اساسی آزادی تدریس ادبیات محلی در مناطق مختلف ایران بازتاب یافت. به دنبال فروپاشی شوروی و ترویج ناسیونالیسم قومی، آموزش زبان مادری به عنوان یکی از مطالبات گروه‌های قوم گرا و تجزیه طلب مطرح گردیده و اکنون نیز یکی از محورهای تبلیغاتی قومگرایان است. البته اشاره به این نکته که آموزش زبان مادری به وسیله بیگانگان اشغالگر وارد فضای سیاسی ایران شده است و توسط گروه‌های چپ گرا وابسته تعقیب شده و اکنون نیز یکی از محورهای تبلیغاتی قوم گرایان عمدتاً تجزیه طلب شده‌است، به معنای نفی این موضوع نیست، در این نوشتار تلاش می‌گردد تا مبانی فسلفی و حقوقی آموزش زبان مادری بررسی شده و

چهارچوب آن مشخص و تبیین گردد. ضرورت احترام به آزادی‌های شخصی و حفظ حقوق بنیادین بشر، ایجاب می نماید که هر شخصی بتواند به هر زبانی که دلش می خواهد سخن بگوید و هر زبانی را که مایل است به طور رسمی فرا بگیرد و از زبان مادری‌اش در رسانه ها و مطبوعات و فضای عمومی استفاده نماید . این به معنای تکلیف دولت به رسمیت دادن به زبان‌های مختلف و یا آموزش زبان‌های گوناگون نیست. دولت در راستای مصالح حکمرانی وملکداری و منافع ملی و عامه مردمی که از آن نمایندگی می‌نماید می‌تواند زبانی واحد را به عنوان زبان آموزشی برگزیند ولی نمی‌تواند از تکلم به زبان‌های محلی ممانعت نماید و یا محدودیتی علیه آموزش و فراگیری آن‌ها ایجاد نماید، این موضوع در اسناد مهم بین المللی مانند: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع تبعیض نژادی و اعلامیه مشهور به حقوق گره‌های زبانی و قومی هم بازتاب یافته است. در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز همین آزادی آموزش زبان‌های مادری بازتاب یافته و منعکس شده است. موضوعی که با سنت تاریخی در ایران نیز هماهنگی کامل دارد.

واژگان کلیدی: آموزش، زبان مادری، گروه‌های زبانی و قومی، حقوق بشر

اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی: برخورد یا همسازی استثناء با اصل؟

دکتر محمد رضا پاسبان
عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
mpasban@hotmail.com

چکیده

در طول تاریخ به جز در دورهٔ حاکمیت مسلمانان بدون آنکه قانون نوشته‌ای یا قانون اساسی‌ای در میان باشد برپایهٔ توافقی جمعی، زبان پارسی خواه در شکل باستانی و پارسی میانه یا آنچه که پارسی دری و امروزین خوانده می‌شود زبان رسمی- اداری و مشترک سرزمینی بوده که رسما و در اسناد رسمی و ادبیات سیاسی تاریخی، «ایران» خوانده شده‌است؛ به‌گونه‌ای که اقوام مهاجم و به ویژه مغولان با پذیرش زبان مردم ایران و آگاهی به جایگاه علمی و فرهنگی آن، زبان پارسی را برای چند قرن، زبانی رسمی و رایج امپراطوری گورکانی در شبه قاره هند ساختند. در دورهٔ معاصر، این جایگاه حتی بدون ذکر در قانون مشروطه به رسمیت شناخته شده بود و فرمان مشروطه با صدای مظفرالدین شاه با همین زبان قرائت شد. اصل ۱۵ قانون اساسی هرچند که در ظاهر با پذیرش این جایگاه تاریخی و سنتی امکان آموزش زبانهای محلی را پیش‌بینی نموده، لکن در عمل و با توجه به تضعیف هویت ملی و انکار یا ستیز با نمادهای تاریخی ایرانی که در برخی موارد در قالب سیاست رسمی نهادهای متولی فرهنگ کشور رخ نموده‌است، به گونه‌ای که موضع‌گیریهای آشکار برخی نمایندگان در مجلس در راستای نفی هویت غیرقابل انکار ملی و برهم زدن انسجام ملی ارزیابی می‌گردد، ابهامات و پرسشهایی را ایجادنموده‌است. رویکرد حاکم در چند دههٔ اخیر در کشوری که در درازای تاریخ با توصیف منتسب به زبان پارسی از سوی جامعهٔ جهانی به عنوان Persia به رسمیت شناخته شده، نشان از پیوندی نامیمون از اراده‌ای آگاهانه با جهل برآمده از تعصب برای تخریب چنین هویت چند

هزار ساله است. در دهه‌های اخیر و با تضعیف علایق ملی، گرایش‌های قومگرایانه به بهانهٔ ترویج زبان مادری و هویت طلبی، چالش امنیتی و هویتی بزرگی را در مناسبات اجتماعی و فرهنگی منجر به تشدید واگرایی در برابر کشور ایران قرار داده‌است. حتی در کشورهای اروپایی که الگوی چنین گرایشاتی هستند مانند فرانسه و حتی انگلستان، زبان ملی با سختگیری و دقت مورد توجه قرار دارد. اریک هابز باوم (Eric Hobsbawm) تاریخ نگار چپگرا و مشهور اروپا (بریتانیایی) و صاحب نظر در حوزهٔ ناسیونالیسم که در ۹۵ سالگی در ۲۰۱۲ درگذشت در مورد زبان فرانسه می‌گوید: تا سال ۱۸۷۶ تنها ۱۳ درصد از مردم فرانسه زبان فرانسه معیار یا پاریسی را نمی‌فهمیدند تا آنکه با عزم ملی و تلاش دولت فرانسه این زبان سراسری- ملی Lingua Franca شد. در انگلستان با آنکه ولز منطقه الحاقی به بریتانیا بوده و در این منطقه ولش در کنار انگلیسی رسمی می‌باشد در همهٔ ادارات و دادگاه‌ها، امور به زبان انگلیسی صورت می‌گیرد. رویکرد این نوشتار ضرورت تغییر نظر حاکمیت و نخبگان به مسئلهٔ ملی و نهادهای هویتی ایرانی، توقف روند ایران ستیزی در برخی نهادهای متولی و رسمی به ویژه نهاد قانونگذاری و رسانه‌های دیداری و نوشتاری و برانداختن طرحی نو برای تقویت بنیادهای ملی و در رأس آن زبان پارسی و تغییر رویکرد خارجی به توجه بیشتر به حوزهٔ تمدن ایرانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵، هویت ملی، زبان پارسی، اصلاح رویکرد حاکمیت به هویت ملی

آزادی مطبوعات برای گروه‌های زبانی و قومی و محلی با توجه به اصل ۱۵ قانون اساسی

امیر جمیلو
دانشجوی حقوق بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران
amir.jamiloo@gmail.com

چکیده

توجه به حقوق گروه‌های زبانی و قومی از دغدغه های دیرین جنبش حقوق بشر بوده است. اسناد حقوق بشر تاکید دارند که همه مردم از جمله اعضای اقلیت‌های قومی و گروه‌های مذهبی حقوق پایه و یکسانی دارند و باید بتوانند بدون تبعیض از این حقوق برخوردار شوند. برخی از حقوق مردمی استاندارد برای گروه‌های قومی و دینی اهمیتی ویژه دارند. از جمله این حقوق، اجتماع آزادانه، آزادی دین، آزادی بیان و، آزادی از تبعیض است. که در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره شده است. اسناد حقوق بشر همچنین شامل حقوقی است که صریحاً به گروه‌های قومی و زبانی مربوط می شوند و از آنها حمایت ویژه‌ی به عمل آورده است.، آزادی عقیده حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان و مطبوعات مصونیت‌های مردی، آزادی احزاب و جمعیت‌ها و هم چنین احترام به حق مالکیت و دارا بودن امنیت قضایی از جمله مباحث اساسی حقوق شهروندی است که می‌بایست همه افراد بشر صرف نظر از تعلق یا عدم تعلق به اکثریت یا گروه‌های زبانی و مذهبی و نژادی از آنها برخوردار باشند و دولت‌ها نیز می‌بایست ضمن تمهیدات لازم جهت احقاق این حقوق زمینه‌های لازم جهت اعمال این حقوق توسط افراد اعم از اقلیت و اکثریت را تامین کند. در این مقاله

به آزادی استفاده از زبان‌های محلی و بومی در مطبوعات با توجه به اصل ۱۵ قانون اساسی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، گروه‌های قومی و زبانی، اقلیت‌های مذهبی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات.

بررسی رویکرد جریان واگرا در خصوص اصل ۱۵ قانون اساسی

میر محمد حسینی سفیدان جدید
کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
hosseineyp@gmail.com

چکیده

اصل پانزدهم قانون اساسی یکی از مترقّی‌ترین اصول قانون اساسی است که در عین به رسمیّت شناختن زبان و ادبیات محلی دیگر زبان‌ها، نسبت آنها را با زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور مشخص کرده است. اما در سال‌های اخیر این اصل بسیار پر مناقشه نموده و جریانات مختلف سیاسی به ارائه قرائت‌های متفاوت از آن پرداخته‌اند. جریان واگرای آذربایجان نیز با تکیه بر همین اصل از قانون اساسی خواستار تحصیل به زبان مادری در مدارس می‌شود. برای روشن شدن مختصات رویکرد جریان واگرا در این خصوص و فاصله یابی قرائت این جریان از اصل ۱۵ با ماهیت حقوقی و اهداف این اصل، در مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و دیگر موردی که قابل استناد هستند، به بررسی رویکرد جریان واگرای آذربایجان در خصوص اصل ۱۵ قانون اساسی پرداخته ایم. نتایج به دست آمده از این مقاله نشان می‌دهد گزاره زبان مادری در داخل روایت جریان واگرای آذربایجان و به طریق اولی موضوع تحصیل به زبان مادری در درون این روایت، با ماهیت حقوقی و اهداف اصل ۱۵ قانون اساسی در تضاد است.

رویکرد جریان واگرا و همچنین نخبگانی که در جستوجوی سبد رای و حمایت

اجتماعی این جریان هستند، ابزاری بوده و سازگار با ماهیت حقوقی و اهداف این اصل از قانون اساسی نمی باشد.

واژگان‌کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، جریان واگرای، زبان مادری، تحصیل به زبان مادری، نخبگان قومی

اصل ۱۵ قانون اساسی، انتخابات و مسأله هویت

شقایق حیدری
دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر مسائل هویتی
Heidari.shaghayegh@yahoo.com

چکیده

درخصوص اصل پانزده و روند اجرایی شدن آن تا به امروز اظهارنظرهای بسیاری شده است، با این وجود، پژوهش‌های دقیق حقوقی و سیاسی کمتری در این رابطه مشاهده می‌شود. در واقع اصل پانزده، به ویژه در دهه اخیر، به‌صورت یکی از شعارهای اصلی انتخابات در مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری در آمده است، بدون اینکه به تبعات هویتی آن توجه خاصی شود.

در سال‌های گذشته و به‌ویژه در آستانه‌ی برگزاری انتخابات برخی از نامزدهای مناطق مختلف مدعی شدند که اصل ۱۵ اصلی معطّل مانده است که باید اجرایی شود. به همین نسبت گروه‌های قوم‌گرا برای به اصطلاح وجاهت قانونی فعالیت‌ها و اظهارات خود سعی کردند، با نادیده گرفتن نص صریح اصل پانزده مدعی شوند که این اصل معطل مانده و این جریان‌ها خواستار اجرایی شدن آن هستند. غافل از این‌که اصل ۱۵ قانون اساسی به درستی تبیین و تفسیر نمی‌شود و معمولاً فقط چند کلمه آن را در فضای رسانه‌ای برجسته و بزرگنمایی می‌کنند. همچنین، درحالی‌که قانون اساسی درواقع میثاق ملی و محل تجمیع اراده‌های مشروع برای تحقق دموکراسی است، نمی‌توان از آن استنباطی را عرضه کنیم که خلاف روح آن باشد.

از سوی دیگر، نخبگان قومی سعی می‌کنند خود را نماینده‌ی اقوام و مطالبات

خود را مطالبات بدنه‌ی اقوام ایرانی جلوه دهند، درحالی‌که تقاضاهای مطرح شده بیشتر استراتژی یک گروه نخبه‌ی قوم‌گرا است که اتفاقاً پایگاه اجتماعی در این مناطق ندارند. از سوی دیگر، برخی رسانه‌های داخلی و بیگانه نیز بر این مهم تأکید می‌کنند.

با این نگاه، مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که اصل ۱۵ قانون اساسی چه جایگاهی در تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری برگزارشده در دهه اخیر داشته است؟ و تمرکز بیش ازحد بر این اصل آنهم به طور ناقص و گزینشی و در راستای اهداف و مطالبات قوم‌گرایان چه ضربه ای به اتحاد و همبستگی ملی وارد می کند؟

در پاسخ باید گفت که یکی از موضوعات مهمی که از چشم‌انداز آن باید انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را مورد بررسی قرار داد و از نتایج آن برای سیاست‌گذاری‌ها بهره‌برداری کرد، مسأله قومیت‌گرایی است. اهمیت این مطلب از آن‌روست که کشور ایران دارای خرده‌فرهنگ‌های مختلفی است و تقویت شکاف‌های فرهنگی و مذهبی می‌تواند به تضعیف هویت ملی و تاریخی جامعه ایرانی بیانجامد و راه را برای ورود و نقش‌آفرینی دشمنان هویت ایرانی و تمامیت اراضی ایران فراهم آورد.

در راستای مطرح شدن این مطالبات، نخبگان کشور باید به یاد داشته باشند؛ در جمهوری اسلامی که سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی براساس وفاق اجتماعی تدوین می‌شوند، سیاست‌گذاری‌های چندفرهنگ‌گرایانه ضربه‌ی بزرگی به اتحاد ملی، انسجام اجتماعی و برادری اعضای جامعه وارد خواهد کرد؛ زیرا شهروند ایرانی از همان آغاز کودکی شروع به تشخیص تمایزهای خود با همسالان‌اش خواهد کرد و روند ادغام و جامعه پذیری در کودک با مشکلات فراوانی همراه خواهد شد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، هویت، همبستگی ملی، انتخابات، نخبگان

سابقه تاریخی رسمیت زبان فارسی

داود دشتبانی
دانشجوی دوره دکترای تاریخ
ddashtbani@gmail.com

چکیده

تا پیش از تصویب قانون اساسی مشروطه ترتیبات اصلی هویت ملی ایرانی نظیر پرچم، حدود مرزها و مذهب براساس قانون و قاعده مورد توافق جمعی تعیین نمی‌شد و چه بسا براساس میل نظام‌های سیاسی تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌گردید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار در اصل ۲۱ (اصل ۱۵ کنونی) موضوع رسمیت زبان فارسی نیز به تصویب رسید اما سابقه تاریخی رسمیت عرفی و همگانی بودن زبان فارسی در نظام اداری و سیاسی بیش از این است.

در این مقاله کوشش خواهد شد براساس گزارش‌های تاریخی سابقه کاردبرد زبان فارسی در نظام اداری و سیاسی ایران در ادوار مختلف تاریخی پیش از شکل‌گیری قوانین مصوب مجلس و براساس عرف جامعه ایرانی بررسی شود.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، ایران، رسمیت، هویت ملی، قانون اساسی

تحلیل حقوقی اصل ۱۵ قانون اساسی

سید محمد رضایی
پژوهشگر قانون اساسی
sayyed.rezaei@gmail.com

چکیده

اصل پانزدهم قانون اساسی واجد جنبه‌های حقوقی، فرهنگی و سیاسی است و از اهمیت فوق العاده برخوردار می‌باشد. از همین رو طی چهار دهه گذشته موضوع تضارب آرا و افکار و موضوع تحلیل‌های مختلف بوده است. این تحقیق بر آن است تا تحلیلی از آن ارایه نماید. به منظور تحلیل مقرون به واقع، چند سئوال در مورد اصل مذکور قابل طرح می‌باشد. نخست اینکه مفاد این اصل چیست و مشتمل بر چه اجزایی است؟ دوم اینکه مقاصد مقنن از وضع اصل مزبور چیست؟ سوم اینکه آیا اصل یاد شده مجرد و منتزع از سایر اصول قانون اساسی قابل تحلیل می‌باشد؟ چهارم اینکه آیا اصل مزبور معطل مانده است؟ و یا به تعبیر دقیق کدام فقرات آن زمینه اجرا نیافته است؟ به نظر می‌رسد، قانون اساسی در صدد است دولتی دینی در جامعه معتقد به اسلام پدید آورد. اما در دوران کنونی به دستاوردهای سیاسی بشری نیز بی‌توجه نیست. لذا نظریه امت را با دولت – ملت ترکیب می‌کند. لکن ناسیونالیسم و شوینیسم را که مبنای ایدئولوژی دولت‌های ملی است، بر نمی‌تابد. شناخت نظریه تلفیقی مقنن مستلزم احراز جهان بینی او از طریق جهان نگری، انسان شناسی و آرمان‌های دینی مندرج در قانون اساسی است.

بی‌گمان در مقوله مورد بحث مطالعه تطبیقی اصول مختلف ضرورت می‌یابد و لااقل بررسی فصول اول و دوم قانون اساسی اهمیتی خاص دارد. زیرا مندرجات دو فصل مذکور نگاه مقنن به جامعه و پدیده‌های عینی آن را به نمایش می‌گذارد. در موضوع تحقیق ما قانونگذار به طور خلاصه چهار اصل مهم مساوات، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی را اصول حیاتی و تخطی ناپذیر می‌شمارد (اصول ۳-۱۹- ۹). بر همین مبناست که مقنن تکثر مذهبی و دینی مردم را نیز به رسمیت می‌شناسد (اصول ۱۲-۱۴-۱۳) بنابراین مفاد اصول فصل دوم این قانون ذیل احکام اصول اخیرالذکر قابل تحلیل می‌باشد. به وضوح می‌توان چنین استنباط کرد که احکام فصل دوم در چارچوب قواعد نظم عمومی قابل تحلیل است. بدین معنا که مقنن در اصول پانزدهم تا نوزدهم مجموعه‌ای از تدابیر و موازین حقوقی فرهنگی و اجتماعی را ترسیم کرده است تا استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور تضمین گردد.

اصل پانزدهم لاجرم ذیل مجموعه مورد اشاره قابل تحلیل خواهد بود. و اما مفاد اصل پانزدهم به دو واقعیت تاریخی و اجتماعی کشور ایران التزام و اعتقاد دارد؛ یکی به رسمیت شناختن تنوع و تکثر زبانی جامعه و دیگری تعلق زبان فارسی به همه ایرانیان است. به همین سبب زبان و خط فارسی را " مشترک" ایرانیان اعلام می‌دارد. نکته پر اهمیت و کلیدی این است که مقنن به آمیختگی ادبیات فارسی با علوم و معارف قرآن اعتقاد دارد و آن را یک زبان فراقومی و بلکه زبانی دینی تلقی می‌نماید (اصل ۱۶) بنابراین باور است که زبان و ادب فارسی را متعلق به همه ایرانیان و آیینه افکار، نگرش ها، ارزش‌ها و باورهای ایرانیان می‌شناسد. لهذا وقتی آن را زبان رسمی ملت ایران می‌نامد، مقصدی دینی در نظر دارد و مرادش دواعی ناسیونالیستی نیست. به همین سبب است که زبان های قومی و محلی را هم به رسمیت می‌شناسد و حقوق آنها را محترم می‌شمارد. اما انواع حقوق ملحوظ در این اصل به دو دسته قابل تقسیم است: یکم. حقوق ملت ایران مرکب از همه اقوام و گروههای اجتماعی . بدین معنا که رسمیت زبان و خط فارسی از جمله حقوق ممتازی است که از آن کلیه اقوام، طوایف و شعوب ایرانی به شمار می‌رود. یعنی امتیازی که مقنن در مورد رسمیت زبان فارسی قائل شده است ناروا به شمار نمی‌رود زیرا زبان فارسی را مخلوق مشترک و متعلق

کلیه ایرانیان تلقی می‌نماید. دوم. حقوق اختصاصی زبانهای محلی و قومی که عبارتند از: ۱- استفاده از آنها در مطبوعات ۲- استفاده از آنها در رسانه های گروهی ۳- تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی

واژگان کلیدی: قانون اساسی، اصل ۱۵، زبان رسمی، ادبیات محلی

زبان‌های مادری، اولویّت‌های ضروری و اولویّت‌های دیگران! ضرورت‌های ملی ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی در ایران

مهدی سلطانی
کارشناس ارشد تاریخ ایران و جهان و دبیر آموزش و پرورش زنجان
Mahdi_soltani_47@yahoo.com

چکیده

هدف عمده شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تحقق عدالت در عرصه‌های مختلف بود که نمود عینی آن در اصول قانون اساسی لحاظ شده‌است. ایجاد و گسترش رفاه و عدالت اجتماعی که در این چند دهه آسیب دیده است، در کنار دستاوردهای بی شمار خود، حدّاقل این دو دستاورد را هم در پی خواهد داشت.

اوّل: خانواده‌ها به خصوص برخی خانواده‌های اقوام ایرانی اگر از رفاه و تحصیلات کافی برخوردار باشند، فرزندانشان می‌توانند زبان قومی ـ محلی خود و زبان ملی فارسی را که سهل است، زبان سوم لاتینی را هم چون زبان محلی و قومی باهم و توأمان بیاموزند و به آن سخن بگویند. در ایران با توجّه به کثرت زبان‌ها و گویش‌ها، هرچند بیش از نود درصد این زبان‌ها و گویش‌ها ایرانی تبار هستند، با این حال می‌توان گفت در محدوده‌ی مرزهای سیاسی امروز ایران، بیش از هفتاد زبان و گویش وجود دارد. یعنی بیش از هفتاد گویش و زبان مادری وجود دارد که همه‌ی گویشوران این زبان‌ها و گویش‌ها این ادّعا را دارند که ؛ زبان مادریشان چون خود مادر عزیزشان، عزیز و بهترین گویش‌ها و زبان‌ها است و چه بسا اصرار داشته باشند که باید در

مدارس تدریس شوند!

زبان مادری یعنی زبانی که مادر به آن با کودک سخن می‌گوید. اگر مادر با سواد و تحصیل کرده باشد (در حدِّ تحصیلات متوسطه) و به زبان ملی یعنی زبان فارسی با کودک خود سخن بگوید، در حقیقت کودک به زبان مادری و از زبان مادر، زبان ملی فارسی را می‌آموزد. در حقیقت با این روش زبان فارسی در کنار زبان های محلی و قومی که از طریق رسانه‌های محلی ... تقویت می‌شوند و حتی در انجمن هایی آموزش داده می شوند، تبدیل به زبان مادری می‌شود و این رویّه به صلاح ایران و ایرانی است تا رویّه‌ای که در آن با توسّل به پروپاگاندای هیجانی و عاطفی که ابر مصیبت مردمان کشورهای توسعه نیافته‌ی خاورمیانه است بخواهند و تاکید و ابرام که حتماً این زبان ها باید در مدارس تدریس شوند و بخواهند و در صدد آن برآیند از یک زبان محلی و قومی تحت عنوان به شدّت عاطفی« زبان مادری» ابزار ایران و ایرانی ستیزی ساخته، خدای ناکرده به رویارویی و ستیز با زبان‌های محلی دیگر و مهمتر از همه با زبان ملی فارسی و ایران بروند.

دوم: خانواده‌ها که تحصیل کرده شدند و برخوردار از رفاه، دیگر در چنین خانواده هایی امکان رشد و تولید عناصر واگرا به کشورهای بیگانه ... به حدّاقل می-رسد. واگرایی به بیگانگان ... بیشتر واکنش منفعلانه‌ای نسبت به حسّ ناتوانی از درک و حلِّ مسائل واقعی، اعَمّ از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معرفتی است. با رفاه و گسترش عدالت اجتماعی، مردم در مواجهه با مسائل توانمند و کنشگر می‌شوند و از دام شبه مسائل، ایدئولوژی و خرافات نیز رها خواهند شد. شواهد تحقیقات میدانی کشوری تایید می‌کنند؛ مابین سطح سواد و وضعیت طبقاتی خانواده‌ها و گرایشات واگرایانه به دُوَلِ دیگر و پان ترکیسم، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی اکثر قریب به اتّفاق به اصطلاح هویّت طلبان از طبقات فرودست شهری یا روستایی هستند. با ایجاد رفاه و گسترش عدالت اجتماعی می‌توان بستر پیدایی جریانات واگرا را رفع کرد. با این اوصاف آیا بهتر نیست برخی اصحاب رسانه، صاحبان تریبون و قلم در مناطق و در میان اقوام ایران، به جای حمله‌ی بی جا و دُن کیشوت وار به زبان ملی فارسی و تاریخ ایران و توهین به این هردو، در پی گسترش عدالت اجتماعی و گسترش رفاه و

آموزش عمومی، همگانی و رایگان باشند؟! این مقاله بـا روش تحلیلـی و توصـیفی بـه نقش توسعه عدالت در همگرایی ملی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، عدالت اجتماعی، واگرایی قومی، زبان‌های محلـی، زبـان فارسی

آسیب‌های تفسیرها و برداشت‌های رایج از اصل ۱۵ قانون اساسی

سالار سیف الدینی
کارشناس حقوق،کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، پژوهشگر
Seyf.salar@gmail.com

چکیده

اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از جنجالی‌ترین اصول حقوقی است که ابهام و ایجاز آن به تفسیرهای متعدد دامن زده است. بی‌شک کمتری اصلی وجود دارد که به اندازه اصل ۱۵ مورد بررسی و تفسیر افراد مختلف قرار گرفته باشد. طیف‌های وسیعی از افراد در خصوص این اصل که ظاهری ساده اما ماهیتی پیچیده دارد، اظهار نظر کرده و تفسیرهایی را ارائه داده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مجموع این تفاسیر به دو گروه قابل تقسیم بندی است. اما آنچه مهم است متدولوژی صورت گرفته در این تفاسیر است که همواره مورد غفلت قرار می‌گیرد. پرواضح است که بدون روش شناسی درست و اصولی قادر به خوانش صحیح هیچ قانونی به ویژه قانونی در ارتباط با مصلحت عمومی نخواهیم شد. از سوی دیگر هر یک از شاخه‌های حقوق متدولوژی ویژه خود را برای تفسیر می‌طلبد.

تفسیرهای ارائه شده از اصل ۱۵ قانون اساسی، اغلب نه از طرف حقوقدان‌ها بلکه از سوی فعالان سیاسی یا پژوهشگران علوم سیاسی و جامعه شناسی صورت می‌گیرد که شناختی از مبانی و مقدمات علم حقوق نداشته و بدون پشتوانه منطقی و انتخاب روش شناسی صحیح علاقه دارند از منظر حوزه و رشته خود به تفسیر این اصل حقوق بپردازند. بدون اینکه نیازی به مطالعات حقوق احساس کنند. در بیشتر این تحلیل‌ها،

صاحبان نظر، پیشاپیش تصمیم خود را گرفته‌اند بنابراین با گزینش مهندسی شده مفروضات و مقدمات، سعی می‌کنند به نتایج دلخواه برسند. این موضوع موجب پیدایش آسیب‌هایی در تفاسیر موجود از اصل ۱۵ شده است که موضوع این پژوهش است. ارکان تفسیر منطقی یک ماده قانون عبارت است از: سنجش آن ماده قانونی با مورد لاحق و سابق، ملاحظه کردن سیاق و نظم مواد مجاور ماده مورد تفسیر، ملاحظه نمودن علت وضع آن ماده و منظور نمودن سرفصل (عناوین اصلی و فرعی) ماده مورد تفسیر که اغلب از سوی مفسران و فعالان سیاسی نادیده انگاشته می‌شوند. در خصوص انواع تفسیردر این باره می‌توان به دو نوع کلی یعنی، تفسیر به اعتبار مقام مفسر و تفسیر به اعتبار رویکردهای تفسیری اشاره کرد. که هر یک از این دو به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شود و نوع دوم مورد توجه این پژوهش است. پژوهش حاضر با ماهیت بنیادی، روش توصیفی ـ تحلیلی سعی دارد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که چه آسیب‌هایی در انتظار تفسیرهای غیرحقوقی از اصل ۱۵ قانون اساسی است. نتایج نشان می‌دهد که پیش‌فرض‌های احساسی و بی‌ارتباط به حقوق عمومی، سوگیری پیش از آغاز تحقیق، شتابزدگی و هیجانان‌های ناشی از سیاست‌زدگی، استفاده از دستگاه نظری سایر شاخه‌های علم حقوق و یا مکاتب تفسیری بی اعتبار، از آسیب‌های عمده در این حوزه است.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، تفسیر، راهبرد،

تحلیل حقوقی اصل ۱۵ قانونی اساسی با رویکرد آثار اجرایی آن در جامعه

محبوبه عابدی
وکیل پایه یک دادگستری
khanom_abedi@yahoo.com

چکیده

تنوع اجتماعات بشری رمز خلقت و از نشانه‌های خالق حکیم است. لذا تکثر فرهنگی و زبانی در همه کشورها طبیعی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر این تکثر و تنوع را به رسمیت شناخته و در بخشی از اصول حفظ حقوق اقوام را تضمین نموده است. در این میان اصل پانزدهم قانون اساسی به دلیل بحث‌های سیاسی و تبلیغاتی، مورد توجه و تفاسیر مختلف قرار گرفته است. سوء استفاده از این اصل در زمان انتخابات به عنوان یک شعار تبلیغاتی، مشهود بوده به نحوی که معطل ماندن اصل پانزدهم و عدم اجرای این اصل، در اذهان برخی از کنشگران سیاسی به یک باور تبدیل گردیده است. لذا با عنایت به جایگاه این اصل در هویت و همبستگی ملی، تحلیل حقوقی این اصل که صرفاً به خط و زبان فارسی رسمیت ملی بخشیده و استفاده وتدریس زبان قومی و محلی را آزاد اعلام نموده امری ضروری است. لذا تفاسیر مطروحه مبنی بر الزام دولت به چاپ کتب درسی به زبان محلی و قومی و راه اندازی کلاس‌های زبان‌های بومی و محلی در مدارس و ... نه تنها الزام قانونی برای اجرا ندارد بلکه مخالف نص اصل پانزدهم قانون اساسی است. طبق تحقیقات در دولتهای چند زبانی، صرفاً یک زبان به عنوان زبان رسمی، مورد توجه قرار گرفته و هیچ کشوری به جز چند کشور افریقایی مانند نیجریه و اتیوپی، تجربه تاسیس مدارس به زبانی غیر از زبان رسمی کشور را ندارند .با بررسی اقدامات دولت از قبیل:

ایجاد شبکه‌های رادیویی و استانی سیما به زبان‌های قـومی ، صـدور مجـوز نشـریه و کتاب به زبان محلی و بومی توسط وزارت ارشاد ، تشکیل جلسات غیر رسمی آموزش زبان های محلی در برخی دانشگاه‌ها و صدور مجوز انتشار نشریه دانشجویی با گـرایش قومی در برخی دانشگاه‌ها توسط وزارت علوم و ... حاکی از اجرای کامل این اصـل مـی باشد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵، زبان فارسی، زبان محلی، تحلیل حقوقی

بازی دومینو و اصل پانزد قانون اساسی

دکتر عطاالله عبدی
عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
ataabdie@yahoo.com

چکیده

جریان قومگرا طی چند دهه اخیر با روش‌ها و ابزارهای گوناگون در پی دستیابی به اهداف خود بوده‌اند. این جریان‌ها دارای راهبرد حرکت گام به گام می‌باشند و حرکت هوشمندانه یکی از شگردهای همیشگی این نوع جریان‌ها می‌باشد. از این رو مسئله این نوشتار این است که موضوع اصل پانزده قانون اساسی در این بستر چگونه قابل بررسی است و آیا اصل پانزده برای جرایان‌های قومگرا هدف است یا وسیله؟ مروری بر مجموعه تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته پیرامون تقاضاها و پاسخ‌های داده شده به این نوع درخواست‌ها گویای آن است که تقاضاهای طرح شده از سوی نخبگان قومگرا بیشتر به صورت گام به گام است تا رسیدن به یک هدف خاص مانند اجرای اصل پانزده، برای نمونه در دهه هفتاد موضوع ایجاد شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های قومی بشدت طرح و پیگیری می‌شد و با آنکه به آن عمل شد بدون اینکه این اقدام حکومت از سوی جرایان‌های قومگرا مثبت ارزیابی شود، به مرحله بعدی یعنی طرح اجرای اصل پانزده قانون اساسی وارد شدند. البته این به معنی آن نیست موارد دیگری مانند ایجاد احزاب قومی، فدرالیسم، فرهنگستان و.... مغفول بماند، بلکه مسئله اولویت بندی و طرح و پیگیری دومینو وار مطالبات به اصطلاح قومی است.

از اینرو به نظر می رسد تقاضاهای اجرای اصل پانزده جدا از اینکه یکی از

مصادیق استفاده ابزاری این جریان بدون اعتقاد به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است در میدان بازی دومینوی جریانهای قومگرا می‌باشد و حد پایانی جز رسیدن به مرزهای تجزیه طلبی مرزهای آن نخواهد داشت، همچنین رویه دیگری از یک بازی دومینو در میان گروههای زبانی خاموش را هم مطرح خواهد کرد. بدیهی است در نبود امکانات لازم برای اجرای اصل پانزده در مورد چنین زبان‌هایی به احساس محرومیت و در نهایت به سیاسی شدن آنها نیز کمک خواهد کرد.و تشدید واگرایی و در نهایت روپاشی و تجزیه ایران منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: اصل پانزده قانون اساسی، بازی دومینو، تجزیه طلبی

معنای جوهری اصل ۱۵ و تاثیر آن در سیاستگذاری قانون گذاری ـ اجرایی در دوره جمهوری اسلامی ایران

امیر فاضلی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی مدرس دانشگاه

چکیده

معنی و فلسفه اصلی اصل ۱۵ ق.اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرف فرهنگی در ایران و استحکام درونی آن به یاری مبانی هویتی اش یعنی زبان فارسی به مثابه زبان ملی و رسمی و زبان های محلی به مثابه میراث ملی ایرانیان می باشد. پرسشی که مطرح است این است که طی ۴ دهه گذشته این اصل تا چه میزانی در محتوا و سرشت قانونگذاری در دوره جمهوری اسلامی ایران موثر بوده و نهاد های مرتبط همانند مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تا چه میزان در تصویب و تایید قوانین آن را مد نظر داشته اند؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی قوانین مصوب طی سال های ۱۳۹۵ـ ۱۳۸۵ خواهیم پرداخت ، مراعات غایات اصل ۱۵ را درآنها بررسی خواهیم نمود.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، اصل ۱۵، شورای نگهبان، سیاستگذاری، قوانین سال‌های ۹۵ ـ ۸۵

سیاست زبانی در قوانین اساسی جهان و فلسفه اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر حبیب الله فاضلی
عضو هئیت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران
h.fazeli@ut.ac.ir

چکیده

بر اساس پژوهش‌های زبانشناسی بیش از ۵ هزار زبان ارتباطی زنده و فعال وجود دارد که در سراسر جهان پراکنده‌اند، از طرفی دیگر بیش از ۲۰۵ واحد سیاسی یا دولت در جهان با قانون اساسی خاص وجود ندارد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان نسبتی مطلوب بین زبان‌های متکثر و قانون اساسی واحد ایجاد کرد؟ پاسخ به این مساله سرآغاز ایده اعمال "سیاست زبانی"[1] در قوانین اساسی است، اهمیت این مساله از آ ن رو افزوده شده که اینک "حق بر زبان" در عمل بخشی از "روایت حقوق بشری"[2] شمرده می‌شود و رعایت آن یکی از الزامات حکمرانی خوب است. آنگاه که از روایت حقوق بشری و مساله زبان سخن رانده می‌شود در واقع پا در روایتی سیاسی از حق بر زبان نیز گزارده‌ایم که هم می‌تواند زبان را به مثابه میدان مصالحه و همزیستی تعریف کند و هم با بهره گیری ابزاری از آن ملت‌ها را به وادی منازعات زبانی و نژادی دراز دامن گرفتار نماید. در این مقاله با بهره‌گیری از مفاهیم حقوقی و زبانشناسی نخست به تحلیلی از شیوه مواجهه ۱۸۷ قوانین اساسی جهان با مساله زبان

1- language policy
2- human rights narrative

و تنوع حاکم بر آنها اشاره خواهد شد، سپس به فلسفه اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌پردازم و برآنم که قانونگذار اساسی در این اصل در پی سیاستگذاری زبانی یا "سیاست زبانی"[1]جدیدی به سیاق دولت‌های مدرن نبوده بلکه این اصل چیزی جز تصریح به "فرهنگ زبانی"[2]تاریخی در ایران نیست.

واژگان کلیدی: فرهنگ زبانی، سیاست زبانی، قوانین اساسی، اصل ۱۵، سیاست دست‌های باز و بسته

1- language policy
2- language culture

اصل ۱۵ قانون اساسی حق فرهنگی یا مطالبه سیاسی

فائز دین‌پرست
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
faez.dinparast@gmail.com

چکیده

اصل ۱۵ قانون اساسی در باب زبان رسمی ایران تصریح دارد که زبان فارسی زبان رسمی کشور است و در عین حال این اصل، واقعیت تاریخی حضور زبان‌ها و گویش‌های مختلف را در جغرافیای ایران در کنار زبان فارسی به رسمیت شناخته و آموزش سایر زبان‌های محلی رایج در سرزمین ایران را در کنار زبان فارسی به رسمیت شناخته است. شواهد نشان می‌دهد که در حال حاضر و در روندی روبه رشد آموزش زبان‌های محلی و گاه آموزش به زبان محلی به مطالبه جدی و روبه تزاید در مناطق قومیت نشین تبدیل شده است. مقاله حاضر مستقل از مداقه های حقوقی در مدلول، مفهوم و کیفیت اجرای اصل، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا و چگونه اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی به جای یک حق رسمی قانونی فرهنگی برای گویشوران به زبان‌های غیر پارسی تبدیل به یک مطالبه سیاسی در این مناطق شده است؟ مدعای اصلی این نوشتار آن است که عدم اعتنا یا مقاومت در برابر اجرای این اصل در روندی تدریجی و همزمان با فرایند جهان ـ محلی شدن(Glocalization) ـ که موجب تشدید درخواستهای محلی می‌شود ـ موجب سیاسی شدن این نیاز و تبدیل آن به یک مطالبه سیاسی در ساختار فرصت سیاسی انتخابات شده است. بدین ترتیب اقدامات

انجام گرفته رسمی در مسیر اجرای اصل هم به دلیل برچسب خوردن به مثابه اقدامات حداقلی از سوی نخبگان محلی، توان مدیریت مطالبه روزافزون فرافرهنگی موجود را پیدا نمی‌کند. پیامد این وضعیت تشدید مستمر مطالبات قومگرایانه و تضعیف مولفه های امنیت ملی است. از منظر این مقاله راهبرد مناسب برای مدیریت مطالبه موجود، به رسمیت شناختن مطالبه در چارچوب قانون و تبدیل موضوع شیوه اجرای آن به موضوع گفتگوی فراگیر دموکراتیک در سطح ملی و محلی است.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵، مطالبات سیاسی، حق.

ملاحظات حقوقی اصل ۱۵ قانون اساسی

حمداله قهرمانی فرد
کارشناس ارشد، رشته حقوق جزا وجرم شناسی، دانشگاه آزاداسلامی
h.ghahremanirard@gmail.cim

چکیده

اصل پانزده به رسمیت زبان فارسی و آزادی استفاده از زبان‌های محلی، پرداخته که تا اندازهٔ زیادی به دلیل بحث‌های سیاسی و تبلیغاتی که درباره‌ی آن صورت گرفته اهمیتی دوچندان یافته است. نظام آموزشی ایران نیز هرچند از ابتدا شیوه تک زبانه را انتخاب کرده اما نخست اینکه این شیوه از انعطاف برخوردار و در آن امکان گفتگو به زبان‌های محلی در مدارس بین دانش آموزان و معلمان وجود دارد و دوم، نافی حقوق مکتسبه نیست به این معنا که پیش از تأسیس نظام آموزشی جدید نیز زبان فارسی در عرصهٔ علم و ادبیات رواج تام داشته است. از این رو نگارنده با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش اساسی پرداخته است که اصل پانزدهم قانونی اساسی از چه مضمون حقوقی برخوردار است؟ در پاسخ فرضیه اساسی مقاله بر این موضوع تأکید داشته که کاربرد زبان فارسی، به عنوان زبان ملی، لزوم توجه به دیگر زبان‌های موجود در کشور را محدود ننموده و شأن و کاربرد دیگر زبان‌ها را نیز در کنار خود تضمین نموده است. تعیین زبان رسمی در قوانین اساسی کشورها امری پذیرفته است و اکثر قوانین اساسی جدید زبان یا زبان‌های رسمی کشورها را تعیین کرده‌اند. در سالهای اخیر با اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی در عرصه هایی همانند مطبوعات، کتاب، شبکه های صدا و سیما، ....گامی اساسی در این عرصه برداشته شده‌است. در عین حالی که بر علایق همه اقوام ایرانی در حفظ هویت ملی و حراست از تمامیت ارضی و جغرافیای

سیاسی کشور تاکید می‌شود؛ در مقابل هم نمی‌توان بر بسترها و رشته‌های کوتاه و بلندی که از گذشته تاکنون کم و بیش زمینه‌ساز واگرایی برخی اقوام بوده‌اند چشم فرو بست. در خصوص اصل ۱۵ و روند اجرایی شدن آن تا به امروز گفتگوهای زیادی صورت گرفته ولی پژوهش‌های دقیقی انجام نشده و به دلیل اهمیت این موضوع و جایگاه این اصل در هویت و همبستگی ملی، این نوشتار به نکات و ملاحظات حقوقی در رابطه با اصل ۱۵ قانون اساسی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، زبان رسمی، زبان فارسی، زبان مادری، گروه‌های زبانی.

آسیب‌شناسی سیاسی تحریف اصل ۱۵ قانون اساسی توسط نخبگان سیاسی
(با تاکید بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی)

رضا کدخدازاده
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران
Rezakadkhodazade@ut.ac.ir

چکیده

قانون اساسی بالاترین سند حقوقی و میثاق ملی کشور است. این سند به‌میزانی دارای اهمیت است که نه‌تنها برای هرگونه تغییر در آن، بالاترین میزان حساسیت توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده، بلکه تفسیر آن نیز بر عهده بالاترین نهاد نظارتی گذاشته شده است؛ چرا که تفسیر به‌رای هر یک از اصول قانون اساسی توسط نخبگان سیاسی، می‌تواند آثار سیاسی عمیقی را در بر داشته باشد. مطابق با اصل ۹۸ «تفسیر قانون اساسی به‌عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود». این حساسیت بالای قانون‌گذار به‌دلیل اهمیت والای آن از نظر سیاسی -و نه صرفاً از منظر حقوقی- است. هرگونه تلاش برای تفسیر به‌رای اصول قانون اساسی توسط نخبگان و جریان‌های سیاسی، می‌تواند زمینه‌ای برای هرج و مرج سیاسی در کشور شود. یکی از اصول قانون اساسی که توسط برخی از نخبگان سیاسی، بیشترین تفسیر به‌رای در مورد آن انجام گرفته، اصل پانزدهم است. اصلی که در آن، تنها بر آزاد بودن تدریسِ زبان‌های محلی و قومی اشاره شده؛ اما توسط نخبگان قومی به «حقِ تدریسِ زبان مادری و بعد به حق تدرس به زبان مادری» تفسیر و در واقع تحریف می‌شود. هدف از این نوشتار، آسیب‌شناسی سیاسی این تفسیر و تحریف کاملاً

بی‌ارتباط با اصل ۱۵ قانون اساسی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، اصل ۱۵، نخبگان قومی، قومیت‌گرایی

اقوام ایرانی و زبان فرهنگی فارسی

محمد جعفر محمد زاده
دکترای زبان وادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

وضعیت فرهنگی حاکم بر کشور ایران پدیده‌ای منحصر بفرد است کـه نمونـه آن را در دنیای معاصر به دشواری می‌توان یافت. از این رو تکامل فرهنگی تمدن دیرپـای ایران مستلزم شناخت عوامل و موجبات دیرپایی آن اسـت. زبـان از مهمتـرین مؤلفـه تمدنهای پایدار جهان است. فرهنگ و تمدن ایران بیش از هزار سال است که بـا زبـان فارسی عصر به عصر و نسل به نسل روند تکاملی خود را ادامه داده است.

برداشت صحیح در باره بافت زبانی و اقوام ایرانی با رویکردهای علمی و با در نظر گرفتن همه داده‌ها و یافته‌های علمی در علوم وابسته از جمله تاریخ، مردم شناسی و... امکان پذیر است. گوناگونی زبان‌ها یا گویش‌ها در ایران را نمی‌توان کتمان کرد. ایـران کشوری است با تنوع زبانها و لهجه‌های گوناگون که به چنـدین خـانواده زبـانی تعلـق دارند. در بررسی‌های علمی آشکار می‌گردد اکثریت مردم ایران به گونه‌های مختلفی از گویش‌های ایرانی سخن می‌گویند. اگر بررسی و پژوهش‌های درست و دقیقـی صـورت پذیرد به این نتیجه خواهیم رسید که زبانهای ایرانی کـه گـویش اقـوام اصـیل ایرانـی است به مثابه اجزای لاینفک و قوام بخش زبان رسمی و معیار در ایـران هسـتند نـه در موقعیت تزاحم و تقابل با آن. از سوی دیگر ایران کشوری کثیر الاقـوام اسـت و بـا هیچکدام از ساختارهای کشورهای کثیر الاقوام دیگر جهان مانند هندوستان، شـوروی سابق و یا برخی کشورهای فدرالی شباهت ندارد. ایران دارای اقوام یا گروه‌های نـژادی

است که در "کنار" زبان معیار (فارسی) غالبا زبان یا گـویش محلـی و قـومی خـود را دارند که در خانه و کوچه و محله خود بدان سخن می‌گویند.

علاوه بر ضرورت توجه به حفظ صورت ملفوظ زبان بـرای بقـا و حفـظ تمامیـت ملی و فرهنگی و امنیتی کشور توجه به ضرورت حفـظ و ارتقـا صـورت مکتـوب زبـان فارسی نیز باید وجهه همت قرار گیرد چه آنکه امروزه کشور فارسی زبـان تاجیکسـتان به واسطه از دست دادن صورت مکتوب زبان از پیشینه فرهنگـی و تمـدنی خـود جـدا شده اند. سوال اصلی این مقاله آن است که زبـان فارسـی در میـان اقـوام ایرانـی چـه جایگاهی داشته و چه عواملی این جایگاه را تقویت یا تهدید می‌کند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، اقوام ایرانی، زبان‌های محلی، زبان فارسی، فرصت‌ها تهدیدها

اصل ۱۵ قانون اساسی و طرح چند پرسش

دکتر داود میرمحمدی
جامعه شناس و مدرس دانشگاه

چکیده

«زبان»، به عنوان یک عنصر فرهنگی، ابزاری برای ارتباط میان انسانها و نمادی از هویت یک قوم و ملت محسوب می‌شود. بدیهی است غنای فرهنگ هر ملتی به عنصر زبانی که با آن تکلم می‌کنند بستگی دارد. به همین دلیل مسله زبان در چارچوب حقوق اساسی که نمود عینی آن قانون اساسی هر کشور است متجلی می‌گردد. در جمهوری اسلامی ایران مقوله زبان که در اصل ۱۵ قانون اساسی مطرح شده وآموزش زبان‌های محلی در مناطق مختلف ایران به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده است؛ عده‌ای تدریس زبان محلی در مدارس و دانشگاه ها را عاملی برای تقویت و افزایش همدلی، وفاق ملی، جلوگیری از بروز احساس تبعیض و بی‌عدالتی و اتحاد ایرانیان و حتی تقویت زبان فارسی می‌دانند و عده‌ای دیگر نظری کاملا متفاوت داشته و آن را عامل تضعیف زبان ملی، یعنی زبان فارسی، تشدید گرایشات محلی گرایی و قوم گرایی و ناسیونالیسم قومی تلقی نموده که موجب تشدید گسل‌های فرهنگی و قومی می‌شود. با در نظر گرفتن تنوع قومی و مذهبی و به تبع آن تنوع زبانی و گویش و سیستم اداری ایران، رسمیت یافتن زبان و خطی واحد به نام زبان فارسی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر و ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی نیز با موضوعی مهمی بنام حقوق مصرحه اقوام در اصل ۱۵ قانون اساسی مواجه است که توجه به آن نیز از ضرورتی تام برخوردار است. برای عبور منطقی و

واقع بینانه از این دوگانه گرایی موجود در مورد اصل ۱۵ قانون اساسی، نگارنده چند پرسش کلیدی را مطرح می‌کند تا شاید بتواند ایده و بسترهایی را برای تفکر، تعمق، تحقیق و بررسی بیشتر در این زمینه فرا روی محققان و پژوهشگران و مدیریت راهبردی فرهنگی کشور قرار دهد:

۱- اگر به وحدت ملی با نگاهی کلان، همه جانبه و استراتژیک بنگریم، چه نسبتی میان حفظ حقوق اقوام و حفظ هویت ملی و انسجام جمعی عام و تعمیم یافته وجود دارد؟

۲- آیا مساله و دغدغه اصلی در حال حاضر اجرای اصل پانزده قانون اساسی- به عنوان یکی از اصول مهم که کم ترین پژوهش جدی پیرامونش دیده می‌شود- است، یا موضوع رویکردها، نگرش‌ها و دغدغه‌های دیگری است که هر چند گاهی زبان قومی و گویش‌های محلی را به دستمایه دعاوی سیاسی و انتخاباتی تبدیل می‌سازد؟

۳- چرا برغم گذشت چند سال از تصویب و اجرای قانون اساسی، تحقق این اصل تاکنون با چالش‌های بسیاری همراه بوده است و عملیاتی نشده است. آیا اشکال در متن و ذات قانون نهفته است که در یک جا حکم آمره مبنی بر رسمیت زبان فارسی در اسناد دولتی و اداری و دوایر دولتی و کتاب های درسی دارد و قانونگذار صفت «مشترک» برای آن بکار کرده است و در جایی دیگر از همین اصل دو حکم جدا در خصوص «رسانه» و «مدرسه» و یک شرط « استثنایی» را بیان می‌کند ؟

۴- با توجه به این که مساله زبان و قانون اساسی حوزه‌ای بین رشته‌ای بوده، آیا بهتر نیست بجای مباحث بحث برانگیز که شائبه سیاسی را تقویت می‌کند ، اتاق‌های فکر بین رشته‌ای تشکیل و ضمن بررسی‌های همه‌جانبه حقوقی، جامعه شناختی ، فرهنگی، زبان شناختی و... موضوع به شکل عالمانه تدبیر شود؟

۵- از منظر حقوق عمومی و حقوق زبانی منشأ حق تدریس زبان مادری (یا تدریس به زبان مادری) در کجاست؟ آیا اصولاً چنین حقی وجود دارد و یا این صرفاً یک آزادی اعطاء شده است؟

۶- آیا واقعا تدریس زبان مادری به حل منازعات قومی و فروکش کردن نارضایتی‌های احتمالی منجر می‌شود و یا برعکس موجب انگیزش بیشتر برای طرح مطالبات

جدیدتر در آینده خواهد شد؟

نگارنده فارغ از هر گونه پیشداوری و قضاوت ارزشی صرفا بـه طـرح سـوال هـای مذکور پرداخته و تاکید می‌نماید پیش‌نیاز ورود به اینگونه بحث‌ها و پاسخ به پرسش‌ها ، داشتن نگاه کارشناسی، تخصصی و رعایت اخلاق حرفه‌ای، احترام به حقـوق ملـت و توجه با منافع کلان و راهبردی از یک سو و پرهیـز از جوسـازی و ورود بـه بازی‌هـای مرسوم سیاسی از سو دیگر می‌باشد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، تفسیر، زبان‌های محلی، منازعات قومی

نسبت و تعامل زبان فارسی و زبان‌های محلی
بررسی موردی ترکی آذری

رحیم نیکبخت
پژوهشگر تاریخ و فرهنگ آذربایجان
mirkohy@yahoo.com

چکیده

سرزمین ما از جمله کشورهای کم شماری است که شکل گیری هویت و کیستی ملی آن در درازنای تاریخ در جغرافیایی که به ایران نامبردار شده در حیات مردمانی از اقوام مختلف پدیدار گشته است.

هویت ایرانی از این رو وحدتی در عین کثرت است و کثرتی در عین وحدت. گسترده شده حدود جغرافیایی قلمرو ایران و اشتمال بر نواحی با مردمانی که دارای مشخصات فرهنگی متمایز بودند، موجب شده زبانی مشترک و « باهم بودن»، پدید آید. این زبان مشترک از یک سو زبان دیوان و دفتر و امور اداری کشوری بوده و از سویی زبان شعر و ادب. آذربایجان از مناطق مهم است که نقشی تأثیر گزار در تکوین و همچنین تداوم حیات هویت ایرانی داشته و دارد. با بررسی تاریخ ادبیات آذربایجان در یازده قرن گذشته مشخص می‌شود در این خطه، زبان بومی و محلی میان مردم که در منابع از آن به پهلوی یا فهلوی و آذری(آذری قدیم) یاد شده، رایج بوده است. شاهد برجسته برجای مانده این زبان محلی از قرن هشتم هجری« سفینه تبریز» است. با این حال شعرا و ادبای آذربایجانی و آرانی همچون قطران تبریزی، نظامی گنجوی، مجیر بیلقانی، شمس مغربی و... آثار خود را به خود را به زبان فارسی سروده‌اند. در قرون بعد با مهاجرت عشایر ترک زبان و استقرار تدریجی در این خطه

در دوره از دوران صفویه زبان ترکی آذری یا آذری جدید اندک اندک جایگزین زبان فهلوی گردید. در این جایگزینی و تغییر زبان بومی مشخصه‌های هویت ایرانی کما فی السابق به حیات قدرتمند خود ادامه داد. در این دوره رسمّیت مذهب تشیع عامل مهم حفظ وحدت ملی موضوع قابل توجه در حفظ و تداوم هویت ایرانی در آذربایجان بود. در دوره جدید هم شعرا و ادبای منطقه علاوه بر سرودن اشعار در مدایح و رثای اهل بیت(ع) به آذری) آثار عمده خود را به فارسی سروده‌اند. اوج و شکوفایی ادبیات آذربایجان در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری است در این دوره تبریز به عنوان پایتخت دوم عنوان دارالسلطنه را دارا بود. و مهمترین کانون توجه به هویت ایرانی و ارائه راهکار برای احیای مجد و عظمت ایران بود. در این دوره اغلب شعرا علاوه بر مراثی و غزلیات آذری بخشی از دیوان خود را به اشعار فارسی اختصاص داده‌اند. فرهیختگان آذری نیک می‌دانستند که برای آنکه آثار علمی و ادبی آنها در نواحی دیگر ایران خواننده داشته‌باشد باید آثار خود را به زبان ملی و همگانی هم بسرایند. با همین ملاحظه در تاریخ ادبیات ایران تعدادی از شعرای برتر و نامی برخاسته از آذربایجان هستند. قطران، نظامی، صائب، شیخ محمود شبستری، شهریار. از سوی دیگر آذربایجان قبله شاعران اقصی نقاط ایران بوده و بر همین اساس مدفن تعدادی از بزرگان شعر فارسی در مقبره الشعرای تبریز است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی بر آن است نقش و جایگاه زبان فارسی در آذربایجان را مورد بررسی تاریخی قرار دهد.

واژگان کلیدی: هویت ملی، آذربایجان، زبان فارسی، فهلوی، آذری، ترکی آذری، دیوان سالاری، مدایح و مراثی اهل بیت(ع)

ضرورت تبین هویت ملی و آموزش اصول قانون اساسی به نخبگان سیاسی

رحیم نیکبخت
پژوهشگر تاریخ و فرهنگ آذربایجان
mirkohy@yahoo.com

چکیده

بعد از پایان جنگ تحمیلی و شروع سازندگی و در ادامه آن در دوره اصلاحات، علاوه با امور سازندگی زیربنایی، توجه به اصول اجرا نشده قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت. زیرا شروع جنگ تحمیلی هشت ساله مانع از تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی که در قانون اساسی متجلی است، شده بود. در دهه سوم و چهارم حیات جمهوری اسلامی، رقابت‌های سیاسی و تلاش برای بدست آوردن مناصب حکومتی، از یک سو وعدم آشنایی نخبگان سیاسی به قواعد بازی و شناخت لازم از منافع و هویت ملی موجب شد در رقابت‌های سیاسی لطمات جبران ناپذیری به منافع ملی و حثیت نظام جمهوری اسلامی وارد شود. یکی از مواردی که مورد استفاده ابزاری گروه‌های سیاسی رقیب واقع شد، اصل ۱۵ قانون اساسی است. جریان‌های سیاسی بدون توجه به نص صریح قانون اساسی به تحریف اصل مذکور پرداخته پرداخته و با استفاده ابزاری به دنبایل کسب رای بودند. در همین دوره با تغییر رویکرد قدرتهای خارجی از برخورد نظامی به براندازی نرم درمقابله با جمهوری اسلامی، جریانهای واگرا در مناطق پیرامونی سازماندهی و به راه افتاد. این گروه‌ها بدون آنکه اعتقادی به نظام و تمامیت ارضی ایران داشته باشند برای مشروع جلوه دادن اغراض تجزیه طلبانه خود اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی را دست آویز قرار داده اند. متاسفانه در برخی از مناطق

برخی از نخبگان سیاسی و مدیران میانی با این جریان معاند به تفاهم پرداخته و در نتیجه خواسته‌های خلاف صریح قانون اساسی به نام اصل ۱۵ قانون اساسی از تریبون‌های رسمی به عنوان مطالبات مردم مطرح شده و می‌شود. یکی از عوامل عمده این همسویی نخبگان سیاسی و گروههای تجزیه طلب بی‌اطلاعی و به تبع آن بی‌توجهی به منافع و هویت است. با توجه به آسیب شدیدی که از این خلاء به استقلال و تمامیت ارضی ایران وارد شده و می‌شود لازم است، تمهیداتی جدی و فوری برای باز تعریف هویت ملی و مولفۀهای آن از طریق مراجع ذی‌ربط صورت گیرد. ضمن آنکه دوره‌های آموزش هویت ملی، منافع ملی، اصول قانون اساسی برای کاندیداهای نمایندگی مجلس و شورای اسلامی شهر و روستا در نظر گرفته شود و برگزاری امتحان کتبی و شفاهی و همچنین بازخواست جدی نهادهای نظارتی عملی گردد.

واژگان کلیدی: گروه‌های سیاسی، گروه‌های تجزیه‌طلب، هویت ملی، منافع ملی، قانون اساسی، اصل ۱۵ قانون اساسی

دلایل مفهومی اصل ۱۵ قانون اساسی

دکتر مهدی هداوند
استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
mehdihadavandd@gmail.com

چکیده

اصل ۱۵ قانون اساسی از اصول مناقشه برانگیز قانون اساسی است و نه تنها از همان ابتدای تدوین پیش‌نویس و سپس تصویب این اصل، بحث بر سر مفهوم و دلالت‌های آن آغاز شد، بلکه با گذشت چهار دهه کماکان این مجادلات ادامه دارد و بلکه تعمیق شده‌است. از سوی دیگر وجه عمیقاً سیاسی این اصل بر وسعت و حساسیت تفسیرهای گوناگون از این اصل افزوده است. و ابعاد حقوق بشری اصل مطالبات نسبت به چگونگی اجرای آن و تکالیف دامن زده است. در مقاله حاضر سعی خواهد شد، هم با نگاه به خود اصل و هم با تبیین جایگاه این اصل در کلیّت اصول قانون اساسی از منظر مفاهیم حقوق بشر و شهروندی، ابعاد مختلف حقوقی آن و حدود انتظارات موجه ملت از حقوق شناسایی شده در اصل مذکور و نوع تکالیف دولت در اصل مذکور تا حد امکان مورد نفسیر و تبیین قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، تکالیف دولت،

نقشه راه آموزش زبان‌های مادری در ایران

احسان هوشمند
کارشناس ارشد جامعه شناسی و پژوهشگر مسائل فرهنگی
m.e.houshmand47@gmail.com

چکیده

در دهه گذشته اصل ۱۵ قانون اساسی به عنوان سندی حقوقی در زمینه آموزش زبان‌های محلی و قومی مورد توجه برخی محافل سیاسی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یا گروهی از فعالین قوم گرا و نیز گروهی از اهالی فرهنگ و ادب در گوشه و کنار کشور بوده‌است. در اصل ۱۵ قانون اساسی از آزاد بودن استفاده از زبان‌های محلی و قومی در رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس سخن گفته شده است. مقصود و مراد قانون‌نویسان در مجلس خبرگان قانون اساسی از گنجاندن این مفاهیم در اصل ۱۵ (اصل ۲۱ پیش‌نویس) را چگونه می‌توان تشریح کرد؟ آیا از این بخش قانون اساسی *«استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است»* مشخص است که مقصود از زبان‌های محلی و زبان‌های قومی چیست؟ آیا در کشور تعریفی استاندارد از زبان‌های محلی صورت گرفته است؟ زبان محلی به چه معنا است؟ مراد قانون‌نویسان از زبان‌های قومی چه بوده‌است؟ تدریس ادبیات چه زبان هایی مدنظر قانون اساسی است؟ آیا از مفاد اصل ۱۵ قانون اساسی، آموزش زبان‌های قومی، به معنای آموزش زبان‌های کردی و آذری و بلوچی به عنوان یکی از وظایف وزارت آموزش و پرورش، درک می‌شود؟ آیا این آموزش اجباری است؟ آزاد است؟ آزاد بودن به چه معنایی مدنظر است؟ در مناطق چند قومی و چند زبانه برای آموزش

ادبیات زبان های قومی چه سیاستی در پیش گرفته شود؟در چه پایه هایی و چه مقاطعی این اصل می‌تواند اجرایی شود؟ چه مخاطرات و آسیب‌هایی از قِبَل ورود بدون کار مطالعاتی و کارشناسی به بحث زبان‌های محلی متوجه منافع ملی و همبستگی ملی است؟ در مقاله پیش رو ملاحظات، ابهام ها، چالش‌ها، ملزومات و پیش شرط‌های ورود به بحث زبان های محلی و آموزش ادبیات زبان های محلی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: اصل ۱۵ قانون اساسی، ادبیات محلی، آموزش زبان‌های مادری، سیاست گذاری، آسیب‌ها، چالش‌ها

جایگاه زبان فارسی در تاریخ ـ فرهنگ ایران

حمیدرضا یخکشی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی و مدرس دان

چکیده

ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن جهانی، محل نمای ادیان قدیمی همچون زردشتی‌گری، محل انشاء و صدور اولین منشور حقوق بشر، یکی از اصلی ترین زادگاه‌ها و کامل ترین خطوط باستانی و بالاخره زادگاه فرهنگ چند هزار ساله، همواره مورد توجه اندیشمندان و محققین و تاریخ نگاران بوده است. غنای فرهنگی در تمدن ایران باستان، دوران اسلام و بعد از آن همواره وجود داشته و بعد از ورود اسلام به ایران فرهنگ ایرانی اسلامی جایگاه خاصی پیدا کرد. در بین عوامل تشکیل دهنده فرهنگ در ایران ، زبان و ادبیات فارسی جایگاه خاصی داشته و نقش تعیین کننده در حفظ میراث تمدن ایرانی و اسلامی ایفا نمود. به طوری که در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده است «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». تلاش‌ها برای اجرایی‌شدن اصل ۱۵ قانون اساسی در حالی است که اکثریت اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی با مخالفت در موضوع آموزش به زبان مادری به وسیله آموزش و پرورش در استان‌ها که اخیرا از سوی دولت اعلام شده است این مساله را تهدیدی جدی برای زبان فارسی و یک توطئه برای کمرنگ‌کردن این زبان عنوان کردند.

علامه بر این گنجینه فرهنگی و تمدنی ایران را در آثـار اندیشـمندان فرهنگـی و ادبی ایران همچون سعدی، حافظ، فردوسی، مولوی ، خیام و دیگران که همه شـان بـا فرهنگ ایرانی و دین اسلام هم آشنائی کامل داشته اند می توان مشاهده نمود. همـه این بزرگان که در دایره ادبیات کلاسیک می گنجند تلاششان بر این بود که فرهنـگ ایران باستان را در کنار فرهنگ اسلامی به مخاطبین نسلهای بعـدی منتقـل بکننـد و همین امر موجب غنای بیشتر فرهنگ و تمدن ایرانی شده است. زبان فارسی در طـول حیات باشکوه خویش، نمایانگر فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسـلامی بـوده و همـواره ایـن فرهنگ عظیم را به جهانیان انتقال داده است. این زبـان در طـول قـرون و اعصـار، نـه خود را بر دیگران تحمیل نموده و نه در مقابل هجوم بیگانگان، کوتاه آمده و میـدان را به رقیب واگذار کرده است و این نشان از عظمت و فراخی و شکوه ایـن زبـان دارد. بـا توجه به اهمیت و جایگاه زبان فارسـی در فرهنـگ ایـران و توجـه قـانون اساسـی بـه اهمیت این زبان، در این مقاله سعی برآن شده است که جایگاه زبان فارسی در تـاریخ و فرهنگ ایران مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، فرهنگ، اصل ۱۵ قانون اساسی.